



نام کتاب: هندسه با یک مایه ریاضی دوستی  
پیشانی ۱۳۹۵ ق. چهارم  
مؤلف: دکتر محمد تقی فدایی (هیئت علمی)  
دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات،  
تهران

تحقیق و تنظیم: محمد مهدی حبیبی آباد  
نشر و دیپادس (وابسته به مؤسسه فرهنگی هنری  
دین و معنویت آل یاسین)  
ویراستار: سید علی افغانی  
طراح: محمد عباس زاده  
صفحه آرا: احمد خان بابایی  
چاپ و صحافی: بوستان  
نوبت چاپ: اول / بهمن ۱۳۹۵  
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

ISBN: 978-622-6890-23-6



علی‌ق‌ن و نام پدیدآور: همسفر با یک عابر؛ رازهای زندگی  
یوسف پیامبر (ع) / مؤلف محمدتقی فعالی؛ تحقیق و تنظیم  
محمد مرادی حسین آباد.

بر اساس آراء دانشمندان: مؤسسه فرهنگی هنری دین و

معنویت آل یاسین، نشر تیماس، ۱۳۹۹.

دوره: ۹- ۸۷- ۷۹۱۷- ۶... ۶۹۷۸- ۲۳- ۶۸۹- ۶۲۲- ۹۷۸- ۴ ج.

مؤلف: محمد علی قزوینی

موضوع: قرآن. سورہ یوسف

Qur'an. Surat Yusef: ٢١-٢٢

موضوع: تفاسیر (سورہ یوسف)

مؤلف: مراد حسین آباد، محمد، ۱۳۵۳۔

[illegible]

Y9Y/1A 7-6-2 4-2400

شماره ۵ کتابخانه ملی - تهران ۵۷۸۲۳۹۴

**مراكز يخش:**

دفتر مرکزی: قم، خیابان صفاشهر، کوچه ۴، پلاک ۵۰ ❖ تلفن: ۳۲۶.۳۹۱ داخلی ۱۰۵

دورنگار: ۳۲۰۳۰۹۵، آدرس فروش اینترنتی: [www.timaas.ir](http://www.timaas.ir)

❖ بوستان کتاب قم: چهارراه شهداء، تلفن: ۰۲۵۳۷۷۴۳۴۲۶.

❖ بوستان کتاب تهران: خیابان انقلاب، تلفن: ۰۲۱۶۶۹۶۹۸۷۸.

❖ بوستان کتاب اصفهان: خیابان مسجد سید، تلفن: ۳۱۳۲۲۲.۳۷۰

❖ بوستان کتاب مشهد: خیابان خسروی، تلفن: ۰۵۱۳۲۲۳۳۶۷۲.

دفتر چهارم

# همسفر با یک

رازهای زندگی

پیامبر ﷺ

دکتر محمد تقی فغانی



### ❁ دیباچه • ۱۷

یک) آثار نگاشته شده • ۱۸

دو) جایگاه و اهمیت قصه در سامانه تربیتی قرآن • ۱۹

سه) مفهوم‌شناسی قصه از نظر قرآن • ۲۰

چهار) ویژگی‌های قصه یوسف علیه السلام • ۲۱

پنج) تفاوت قصه‌های قرآنی و داستان‌های (رمان‌ها) امروزی • ۲۲

شش) چرایی زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام • ۲۳

هفت) عبرت‌آموزترین کارکرد قصص قرآنی • ۲۴

«آیه پنجاه و پنجم» ❁ مسکن‌داری مدیریت اقتصاد • ۳۱

عبرت ۱: پیشنهاد برای پذیرش این امر عظیم • ۳۲

عبرت ۲: یوسف علیه السلام از یک واقعیت سخن گفت • ۳۳

عبرت ۳: کمک شایان یوسف علیه السلام به مردم • ۳۴

عبرت ۴: اقدام برای مسکن‌داری معیشت مردم • ۳۶





«آیه پنجاه و ششم و هفتم» ﴿۳۹﴾ مکنت بخشی خداوند • ۳۹

عبرت ۱: آن را که خداوند برگزید • ۴۰

عبرت ۲: مهم، مشیت خداست • ۴۲

عبرت ۳: ثروت و قدرت؛ دو نیروی کائنات • ۴۵

عبرت ۴: احسان، به اندازه خود خدا، جبران می شود • ۴۶

عبرت ۵: مژدی که خدا می دهد • ۴۸

عبرت ۶: انسابیت و گذشت را معنا کرد • ۵۰

«آیه پنجاه و هشتم» ﴿۵۳﴾ احسان گری؛ مهم ترین عامل معرفت • ۵۳

عبرت ۱: گوش شنوا می خواهد • ۵۴

عبرت ۲: باید از پیش مهیا بود • ۵۵

عبرت ۳: به دیگران نیز توجه داشت • ۵۶

عبرت ۴: احسان گری ساده لوحی و بی تدبیری نیست • ۵۷

عبرت ۵: ملاقاتی که اسان روی داد • ۶۰

عبرت ۶: فرق میان مردم و امام؛ رؤیت همراه با شناخت • ۶۱





«آیه پنجاه و نهم» ﴿مَلَكِ احْسَانِ غَرَى • ٦٧﴾

**عبرت ۱:** قرار گرفتن نزد ولی خدا • ٦٨

**عبرت ۲:** لزوم نظارت و مصرف • ٧٠

**عبرت ۳:** کسی که بنایش بر راست گفتاری است • ٧٠

**عبرت ۴:** عدالت در توزیع • ٧١

**عبرت ۵:** بهترین میزبان • ٧٣

**عبرت ۶:** احسانى همراه با تدبیر • ٧٤

«آیه شصتم و شصت و یکم» ﴿قَدَرَتِ عَظِيمِ وَاژَهَا • ٧٧﴾

**عبرت ۱:** تغییر لحن یوسف علیه السلام در گفتگوی با برادران • ٧٨

**عبرت ۲:** تهدید به حسب شرایط لازم است • ٧٨

**عبرت ۳:** قاطعیت؛ اصل راهبردی • ٨٢

**عبرت ۴:** مرآمده در ادبیات قرآن کریم • ٨٣





«آیه شخصیت و دوم» ❁ جز نیکی از او نیاید. ۸۵۰

عبرت ۱: احسان‌گری بدون ایجاد حس شرمساری و حقارت. ۸۶

عبرت ۲: این است یوسف علیه السلام بنده عزیز پروردگار. ۸۹

عبرت ۳: ثمره نزدیکی بیشتر به آفریدگار هستی. ۹۰

عبرت ۴: محسن! نیکوکار است نه معامله‌گر. ۹۰

عبرت ۵: الجنان خوبی کنید که یوسف علیه السلام کرد. ۹۱

عبرت ۶: توکل یوسف علیه السلام برای حصول نتیجه. ۹۲

«آیه شخصیت و سوم» ❁ مواجهه متفکرانه. ۹۵۰

عبرت ۱: الگوی مواجهه والدین با فرزندان. ۹۶۰

عبرت ۲: جلب رضایت قلبی والدین. ۹۸۰

عبرت ۳: بکوشید اعتماد به نفس لازم را داشته باشید. ۹۹۰





«آیه شخصت و چهارم» ❁ تصمیم سرنوشت ساز • ۱۰۳

**عبرت ۱:** چرایی اعتماد دوباره یعقوب علیه السلام به فرزندان • ۱۰۴

**عبرت ۲:** مسئله حسادت • ۱۰۵

**عبرت ۳:** مکانیسم تصمیم سرنوشت ساز یعقوب علیه السلام • ۱۰۶

**عبرت ۴:** باید موقعیت را سنجید • ۱۰۹

**عبرت ۵:** او بهترین نگهبانان است • ۱۱۰

**عبرت ۶:** وضعیت انسان در میان صدمات و حادثه ها • ۱۱۱

**عبرت ۷:** تنها حافظ بشر «خداست» • ۱۱۲

**عبرت ۸:** نتایج فهم مهربانی خداوند بزرگ • ۱۱۳

«آیه شخصت و پنجم» ❁ انسان انسان ساز • ۱۱۷

**عبرت ۱:** ضابطه نه رابطه • ۱۱۸

**عبرت ۲:** همگرایی و صمیمیت در زندگی خانوادگی و اجتماعی • ۱۱۸

**عبرت ۳:** آن هایی که همانند یوسف علیه السلام می اندیشند • ۱۲۱

**عبرت ۴:** نخستین هدف حکومت انسانی والهی • ۱۲۲







«آیه شخصت و ششم» ❁ زیباترین مدل مدیریت • ۱۲۵

**عبرت ۱:** آنچه سبب اطمینان یعقوب علیه السلام گردید • ۱۲۶

**عبرت ۲:** پیمان خود را محترم بشمار • ۱۲۶

**عبرت ۳:** این یک قانون است • ۱۲۷

**عبرت ۴:** امانتی که در اختیار والدین است • ۱۲۷

**عبرت ۵:** تدبیر عاقلانه با توکل عاشقانه • ۱۲۸

«آیه شخصت و هفتم» ❁ حمایت‌گری؛ هر زمان برای همگان • ۱۳۱

**عبرت ۱:** خیرخواهی و حمایت‌گری دائمی برای همگان بخصوص فرزندان • ۱۳۲

**عبرت ۲:** در نظر گرفتن شرایط سخن گفتن • ۱۳۸

**عبرت ۳:** شرایط مدیریت عمر • ۱۳۸

**عبرت ۴:** فرمول توکل ورزی بر خداوند • ۱۴۰





«آیه شصت و هشتم» ❀ خواسته‌ای که درون یعقوب علیه السلام بود • ۱۴۷

عبرت ۱: خواست درونی یعقوب پیامبر علیه السلام • ۱۴۸

عبرت ۲: خداوند راز درونش را پاس داشت • ۱۴۹

عبرت ۳: شیوه تعامل یعقوب علیه السلام با فرزندان سرکش • ۱۵۰

عبرت ۴: افشاسازی اسرار ممنوع • ۱۵۲

عبرت ۵: عصاره دعا • ۱۵۳

عبرت ۶: دو مسیر برای رفتن به سمت خدا • ۱۵۵

«آیه شصت و نهم» ❀ من همان یوسفم • ۱۵۹

عبرت ۱: طبقه‌بندی ذهن و مرزبندی سخن • ۱۶۰

عبرت ۲: غمگین مباش • ۱۶۱

❀ کتاب‌نامه • ۱۶۵



## ❁ دیباجه

چگونه زیستن و نحوه بهره‌مندی از ظرفیت‌های عمر، دغدغه همیشگی انسان در طول تاریخ به‌ویژه در جامعه امروزی بوده و هست. غلبه نگاه ظاهرگروانه به زندگی، عرصه زندگی را بر بشر سخت و جانکاه کرده و او را در چالش جدی با هر آنچه غیر «خود» اوست، مشغول و سرگشته کرده است.

بی‌توجهی به واقعیت‌ها، ناآگاهی از پشت‌صحنه‌های رخداد‌های زندگی و بی‌میلی نسبت به دانایی به لطافت‌های رخداد‌ها، انسان را سخت شکننده و افسرده کرده است به‌گونه‌ای که با گذشت سال‌های متمادی از تولد یک انسان، هنوز که هنوز است به‌صورت سطحی با اتفاقات و حوادث مواجه می‌شود و از آن هیچ بهره‌ای نمی‌برد.

انسان امروزی، عمدتاً با دل‌خوش کردن به دیده‌ها و شنیده‌ها و به‌طور کلی محسوسات و اشتغال عمیق به آن‌ها، خود را از ادراک نادیده‌ها، ناشنیده‌ها و عالم غیب محروم نگاه داشته است. روزمرگی، نداشتن امید به آینده، افسردگی، اضطراب، تنش، درگیری و دیگرآزاری، خودتخریبی، خودمحوری، فرافکنی همه و همه از پیامدهای نامبارک محو شدن در پوسته ظاهری زندگی و «توقف» در زندگی است.

مجموعه «همسفر با یک عابر» مطالب را در دو دسته کلی پی می‌گیرد. بخشی از آن را پیش از شروع قصه و بخش دیگر را در پایان ارائه می‌کند. قبل از ورود به قصه یوسف علیه السلام توجه به چند نکته می‌تواند مفید باشد:

## ی(ک) آثار نگاشته شده

کتاب‌هایی که درباره قصه‌های قرآن از جمله قصه یوسف علی‌ه السلام نگاشته شده است، به پنج دسته قابل تقسیم‌اند:

**\* دسته اول** آثاری است که صریحاً درباره قصه‌های قرآن سخن گفته‌اند و در بیشتر موارد با عناوین قصص القرآن، آیات القصص، داستان‌های قرآن، داستان‌های شگفت‌انگیز قرآنی نام‌گذاری شده‌اند. «قصص یا داستان‌های شگفت‌انگیز قرآن مجید» اثر علی قاضی زاهدی گلپایگانی، «قصص الانبیاء»<sup>۱</sup> اثر ابواسحاق نیشابوری و «قصص الانبیاء»<sup>۲</sup> اثر سعید بن هبه الله قطب راوندی از این دسته است.

**\*\* دسته دوم** آثاری هستند که به تحلیل داستان‌های قرآنی پرداخته و داستان‌ها را به لحاظ ادبی یا ساختاری یا هنری نگریسته‌اند. «تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن»<sup>۳</sup> خلیل پروینی، «ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن»<sup>۴</sup> محمد حسینی، «قصه و نکات تربیتی آن در قرآن»<sup>۵</sup> سید سعید مهدوی، «تحلیلی نو از قصص قرآن»<sup>۶</sup> محمدتقی ملبوبی و «پژوهشی از جلوه‌های هنری قرآن»<sup>۷</sup> محمود بستان از این قبیل‌اند.

**\*\* دسته سوم** آثاری هستند که اندیشمندان عرب آن‌ها را نگاشته‌اند. کتاب «مدخل الی القرآن الکریم»<sup>۸</sup> اثر محمد عابد الجابری از جمله آن‌ها است.

**\*\* دسته چهارم** آثار نگاشته شده توسط مستشرقان است.

**\*\* دسته پنجم** آثار منظوم ناظر به قصص قرآنی است. «مثنوی

۱. قاضی زاهدی گلپایگانی، علی، قصص یا داستان‌های شگفت‌انگیز قرآن، تهران، اسلامی، بی‌جا، ۱۳۷۱.

۲. نیشابوری، ابواسحق، قصص الانبیاء، به کوشش کاوه کوهرین، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۶۴.

۳. راوندی، قطب‌الدین هبه الله، قصص الانبیاء، به کوشش غلامرضا عرفانیان، مشهد، آستان قدس رضوی، چ اول، ۱۴۰۹ ق.

۴. پروینی، خلیل، تحلیل عناصر ادبی و هنری داستان‌های قرآن، تهران، فرهنگ گستر، ۱۳۷۹.

۵. حسینی، محمد، ریخت‌شناسی قصه‌های قرآن، تهران، ققنوس، ۱۳۹۵.

۶. مهدوی، سید سعید، قصه و نکات تربیتی آن در قرآن، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۶.

۷. ملبوبی، محمدتقی، تحلیلی نو از قصص قرآن، تهران، امیرکبیر، چ اول، ۱۳۷۶.

۸. بستانی، محمود، پژوهشی در جلوه‌های هنری داستان‌های قرآن، مترجم محمدحسین جعفرزاده، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس، چ اول، ۱۳۷۱.

۹. الجابری، محمد عابد، مدخل الی القرآن الکریم، بیروت، مرکز الدراسات الواحدة العربیة، ۲۰۰۶ م.

معنوی<sup>۱</sup> اثر جلال الدین محمد بلخی، «یوسف و زلیخا»<sup>۲</sup> اثر نورالدین احمد جامی و «مثنوی یوسف و زلیخا»<sup>۳</sup> منسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی از این دسته شمرده شده است.

## دو جایگاه و اهمیت قصه در سامانه تربیتی قرآن

قصه، در عرصه فرهنگ و انتقال مفاهیم انسانی قدمتی کهن دارد و سازگارترین فرم کلامی با ذهن بشر است. از همین روی دامنه مخاطباننش وسیع تر و قدرت نفوذش بیشتر است. گرچه زبان اصلی قرآن، زبان دین و هدایت معنوی است، اما این کتاب آسمانی در کامل ترین وجه خود از شیوه داستان سرایی برای ابلاغ پیام خویش بهره برده است.<sup>۴</sup>

سوژه های داستانی و قصه های قرآن، یکی از ظرفیت های معرفتی قرآن است که پس از گذشت چهارده قرن از حیات قرآن و اسلام، علی رغم جایگاه منحصربه فرد آن در ادبیات قرآن، مورد بی مهری رنج آوری قرار گرفته است که بی تردید از مصادیق کم کاری اندیشمندان، ادیبان و فرهیختگان به شمار می آید.

آیات القصص در قرآن کریم حجم قابل توجهی از آیات را به خود اختصاص داده اند. خداوند حکیم در بیش از هزار آیه از آیات آخرین کتاب آسمانی، با انگیزه و هدفی خاص، به بیان قصه پرداخته است. آیات القصص قرآن که عمدتاً بر مباحث اعتقادی تکیه دارند، تأثیرات چشم گیری بر فرهنگ و تمدن بزرگ اسلامی به ویژه خلق آثار فاخری همچون کلیله و دمنه، مثنوی، منطق الطیر، بوستان، گلستان، غزلیات حافظ شیرازی و سنایی غزنوی داشته است. بیش از صد قطعه داستانی در قرآن مجید آمده است که برخی

۱. مولوی، جلال الدین، مثنوی معنوی، تصحیح نیکلسون، تهران، طلوع، ۱۳۷۰.

۲. جامی، عبدالرحمن بن احمد، یوسف و زلیخا، تهران، نشر دبیر، ۱۳۹۷.

۳. فردوسی، ابوالقاسم، یوسف و زلیخا، تهران، آفرینش، ۱۳۶۹.

۴. شجاع پوریان، «تأملی در شاخصه های قصه در قرآن»، دوفصلنامه علمی پژوهشی ادب عربی، دوره

۵، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۲، صفحه ۱۱۳-۱۳۴.

ادامه برخی دیگر هستند و بعضی از آن‌ها نیز کامل و مستقل می‌باشند. ۶۳ سوره از ۱۱۴ سوره قرآن کریم، حاوی قصه و حکایت است. این بدین معناست که بیش از نیمی از سوره‌های قرآن، با هنر قصه‌پردازی به انتقال پیام خود پرداخته‌اند.<sup>۱</sup>

خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش، در موارد بسیاری، هرگاه خواسته به مخاطبان‌ش که تمام انسان‌ها تا قیام قیامت هستند، دین و اعتقادات را بیاموزد، از روش هنری مخصوصاً زبان داستان و قصه‌گویی استفاده کرده است. هیچ پدیده ارزشمند اعتقادی، اخلاقی و تربیتی نیست که برای کل بشریت بتواند مفید باشد، مگر اینکه خداوند آن را در خلال قصه‌های قرآنی آورده است.

یکی از مهم‌ترین، جذاب‌ترین و عمومی‌ترین زبان‌های تأثیرگذار در جهان امروز، زبان هنر است. مهم‌ترین عنصر قدرتمند زبان هنر، داستان است. رویه قرآن نیز در حدود یک‌سوم آیاتش، بهره‌مندی از این عنصر مهم است. اگر به این رویه و رویکرد قرآن توجه می‌شد، شاید بتوان گفت که هم‌اکنون چندین هالیوود در اختیار جهان اسلام بود و فیلم‌هایی که در جهان اسلام ساخته می‌شد، قدرت‌های برتر سینمای جهان بودند و می‌توانست بسیار تأثیر گزار باشد.

اگر روزی زبان هنر، زبان اول جهان اسلام بشود، دین کارکرد اصلی خود را پیدا خواهد کرد. اساساً همگانی‌ترین، ماندگارترین و کارآمدترین زبان برای آموزش دین و انتقال دین، «زبان هنر» است. محدود کردن دین به یکی دو زبان (زبان استدلالی و عقلی یا زبان معنویت)، محصور کردن دین و در نتیجه دور ماندن از متدولوژی قرآن در انتقال اطلاعات و آموزه‌های ناب دینی است.

### سه مفهوم‌شناسی قصه از نظر قرآن

«قصه» به لحاظ لغت، در معانی داستان، سخن، حال، روایت و

۱. دانشنامه حوزوی ویکی فقه، «خصایص قصص قرآن»، <http://wikifqh.ir>.

مکتوب به کار رفته است،<sup>۱</sup> ولی اصلی‌ترین معنای لغوی آن، چیزی را پیگیری و دنبال کردن است. قصه از نظر مفهوم و معنا در لغت به معنای «سلسله حوادث متوالی» است که در مخاطب ایجاد حالت انتظار برای ادامه آن می‌کند.<sup>۲</sup> مشتقات واژه «قصه» در قرآن به دو صورت فعلی و اسمی آمده است که بیشترین کاربردش در قالب کلمه «قَصَص» است.

مفهوم «حوادث متوالی» در قرآن با چند واژه دیگر غیر از قَصَص از جمله نَبَأٌ<sup>۳</sup> (خبری سودمند و آسمانی که به صورت متوالی پیگیری می‌شود و به انسان یقین می‌دهد)،<sup>۴</sup> حَدِيثٌ (روایت تازه و نو به نو و متوالی)، مَثَلٌ<sup>۵</sup> (به معنای تشبیه، ضرب‌المثل و داستان‌های گذشتگان) و اسطوره<sup>۶</sup> (داستان‌های خرافی یا داستان‌های واقعی نمادین) آمده است؛ لذا، مفهوم قصه در قرآن عبارت است از: روایت حوادث متوالی مفید و واقعی که به صورت نمادین، پیامی درون خود داشته باشد.

#### چهار ویژگی‌های قصه یوسف علیهِ السلام

«قصه» همانند غذایی است که اندک آن، مقوی و مغذی است و نیازهای گوناگون جسمی و روانی خواننده را تأمین می‌کند. رتبه زیبایی‌شناختی و اثرگذاری یک قصه، بسته به کیفیت آن و وابسته به اندازه تأثیر آن بر اندیشه، احساس، ارزش‌ها و کنش‌های فرد و جامعه و سامان‌بخشی ابعاد گوناگون زندگی بشر است. قصه یوسف علیهِ السلام به صورت انحصاری، ویژگی‌ها و مؤلفه‌هایی دارد.<sup>۷</sup> برخی از آن‌ها عبارت‌اند از:

۱. جر، فرهنگ لاروس، ذیل واژه «القَصَص».
۲. رک: مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۰، ذیل آیه ۳ سوره یوسف.
۳. قُلْ هُوَ تَبَأٌ عَظِيمٌ؛ بگو: این خبری بزرگ است. (ص / ۶۷)
۴. قُلْيَا تَأْوِي بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ؛ پس اگر راست می‌گویند، سخنی مثل آن بیاورند. (طور/ ۳۴)
۵. أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتِخَذُوا الْبُهْتَاءَ لَمَّا يَقُولُ مِثْلَ الَّذِينَ خَلَقُوا مِنْ قَبْلِكُمْ؛ آیا پنداشتید که داخل بهشت می‌شوید، حال آنکه هنوز مانند آنچه بر سر پیشینیان شما آمد، بر سر شما نیامده است. (بقره/ ۲۱۴)
۶. إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ؛ این جز افسانه‌های پیشینیان نیست. (انفال/ ۳۱)
۷. طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۸۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۲؛ قرائتی، تفسیر نور، ج ۴، ص ۱۴۴.

❀ همه آیات سوره یوسف علیه السلام مکی است.  
❀ این سوره ۱۱۱ آیه دارد که سه آیه اول زمینه‌ساز و آماده‌کننده ذهن مخاطب است و نه آیه پایانی، نتیجه‌گیری و جمع‌بندی است. ۹۹ آیه دیگر، داستان حضرت یوسف علیه السلام است.

❀ در داستان یوسف علیه السلام بیشتر به شخصیت خود او در گذر از کوران حوادث می‌پردازد، درحالی‌که در داستان پیامبران دیگر، بیشتر به سرنوشت مخالفان و لجاجت و هلاکت آنان اشاره نموده است.

❀ قصه یوسف علیه السلام برخلاف قصص تمام انبیای دیگر، فقط در همین سوره و به صورت یکجا آمده است.

❀ داستان یوسف علیه السلام در ذهن ایرانیان به عنوان بخشی از فرهنگ ارزشمند آنان به یادگار مانده است. در این میان دو اثر «منظومه یوسف و زلیخا» اثر عبدالرحمن جامی و منظومه منسوب به حکیم ابوالقاسم فردوسی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

### پنج تفاوت قصه‌های قرآنی و داستان‌های (رمان‌ها) امروزی

قصص قرآنی و داستان‌های امروزی تفاوت‌های بارزی با یکدیگر دارند. برخی از آن‌ها عبارت است از:

❀ در تمام قصه‌های قرآنی، قصه‌گو خدا است،<sup>۸</sup> اما در تمام داستان‌ها و رمان‌های امروزی، ذهن آشفته بشر، قصه‌گو است.

❀ همه قصه‌های قرآنی هدفمند هستند؛ یعنی خدا قصه‌ها را برای نیل به آثار و اهداف معقول بیان کرده است نه برای پُر کردن وقت و به عنوان یک ابزار فراغتی یا

۸. نَحْنُ نَقُصُّ: ما قصه گو هستیم. (یوسف/ ۳)



سرگرمی. مهم‌ترین هدف قصص قرآن، عبرت‌آموزی است.<sup>۱</sup>

✽ تمام قصه‌های قرآن بنیادش حق است و خداوند آن‌ها را بر اساس حق و حقیقت نازل کرده است،<sup>۲</sup> درحالی‌که رمان‌های امروزی محصول عنصر خیال هنرمند است.

✽ مبنای قصه‌های قرآن علم خدا است،<sup>۳</sup> ولی مبنای رمان‌ها و داستان‌های امروزی، علم یقینی خدا نیست، بلکه گمانه‌زنی‌های بشر است.

✽ داستان‌های قرآنی وسیله تفکرند،<sup>۴</sup> ولی مهم‌ترین کارکرد و اثری که رمان‌های امروزی دارند این است که وسیله سرگرمی مخاطبان هستند.<sup>۵</sup>

### شش) چرایی زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام

خداوند در آیات ابتدایی سوره یوسف علیه السلام، این داستان را «أحسن القصص»<sup>۱</sup> زیباترین داستان معرفی می‌کند. جالب اینکه در بین بیش از صد قصه قرآنی که در قرآن بیان شده است، ۲۷ داستان آن مربوط به پیامبرانی است که حتی برخی از آن‌ها همچون پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و ابراهیم علیه السلام رتبه و منزلتشان برتر و والاتر از یوسف علیه السلام است، اما خداوند داستان‌های آن‌ها را زیباترین ننامیده است. دلایل زیباترین بودن قصه یوسف علیه السلام را در چند نکته می‌توان برشمرد:<sup>۲</sup>

✽ همه قصه در یک جا و در سوره‌ای با نام یوسف علیه السلام گرد آمده است، برخلاف داستان پیامبران دیگر که در سوره‌هایی که با نام همان پیامبر نیست، پراکنده است.

۱. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ؛ به‌راستی در سرگذشت آنان، برای خردمندان عبرتی است. (یوسف / ۱۱۱)

۲. نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ نَبَأَهُم بِالْحَقِّ؛ ما داستان آنان را به‌حق برای تو بازگو می‌کنیم. (کهف / ۱۳)

۳. لَنُقْصِصَ عَلَيْهِمْ بَعْلَهُمْ؛ از روی دانش به آنان گزارش خواهیم داد. (اعراف / ۷)

۴. لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ؛ باشد که بیندیشید. (یوسف / ۲)

۵. برای مطالعه بیشتر ر. ک: حاج علی‌اکبری، پژوهشی پیرامون قصه‌های قرآن کریم.

۶. یوسف / ۳

۷. ر. ک: طبرسی، تفسیر جوامع الجامع، ج ۲، ص ۱۷؛ طباطبائی، المیزان، ج ۱۱، ص ۸۱ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۹، ص ۳۰۲.

✽ روایتگر داستان زندگی یوسف علیه السلام خدا است.  
✽ این قصه از ابتدا تا انتهای آن، تمام، حق و واقعیت است.

✽ تمام عناصر و ویژگی‌های زیبایی‌شناختی قصه از قبیل مقدمه‌چینی (توطئه) برای آماده‌سازی ذهن مخاطب، گره‌افکنی و گره‌گشایی، شخصیت‌سازی، بیان حوادث جالب و جذاب داستان، استفاده بهینه از عنصر زمان و مکان، دیالوگ‌ها و گفتگوها، اوج‌ها و فرودها، آغاز و انجام داشتن، عبرت‌آموزی و توالی حوادث را در خود جمع کرده است.

✽ این داستان از خردسالی تا لحظات اوج زندگی یوسف علیه السلام را در برمی‌گیرد.

✽ در این داستان هیچ رد پای از جنگ و جدال و فرعون و نمرود و آل ثمود نیست.

✽ تمام اتفاقات این قصه خوش‌عاقبت است؛ یوسف علیه السلام به حکومت می‌رسد، قحطی، به پُر محصولی تبدیل می‌شود، برادران پشیمان می‌شوند، یعقوب علیه السلام بینا می‌شود و در نهایت، فراق به وصال تبدیل می‌شود.

✽ به‌کارگیری عناصر متضاد در این داستان، به‌گونه‌ای که در هیچ داستان دیگری در قرآن و حتی داستان انبیا علیهم السلام این‌گونه جمع اضداد صورت نگرفته است. غم و شادی، تلخی و شیرینی، قحطی و پُر محصولی، وفاداری و جفاکاری، خوبی کردن و بدی کردن، مالک و مملوک، چاه و کاخ، فقر و غنا، بردگی و پادشاهی، کوری و بینایی، عفت و بی‌حیایی، پاکی و ناپاکی، فریب و صداقت، جفا و گذشت، توکل و بی‌توکی نمونه‌ای از عناصر متضاد این قصه است.

### هفت (هفت)؛ مهم‌ترین کارکرد قصص قرآنی

قصص آیات قرآن کریم، کارکردها و آثار متعددی دارد. بر اساس

نص آیات قرآن کریم، یکی از مهم‌ترین کارکردهای قصص قرآنی، کارکرد «عبرت» است. قصه‌های قرآنی آمده‌اند تا به انسان‌ها عبرت بدهند. «عبرت» از اصلی‌ترین کلیدواژه‌های قرآنی است و در ادبیات قرآن، مفهوم عمیقی دارد.

«عبر» در اصل به معنای گذشتن از حالی به حال دیگر است. «عبرت» وضعیتی است که انسان با آن از آگاهی به امور قابل مشاهده به شناخت نامحسوس‌ها دست می‌یابد.<sup>۱</sup> کلمه عبرت به دو شکل اسم و فعل در قرآن آمده است. از میان مشتقات این کلمه (عابر، معبر، اعتبار و تعبیر)، دقیق‌ترین و مهم‌ترین آن‌ها، کلمه «عبور» است. کسی که اهل عبرت باشد، در منطق قرآن، «عابر» نامیده می‌شود.<sup>۲</sup> عابر کسی است که نگاه و بینش بسیار عمیقی دارد، نگاهش همیشه خیره به هدفش است و دائماً برای رسیدن به حقیقت می‌کوشد و از هر چیزی به جز معشوقش «عبور» می‌کند. عابر کسی است که دائماً در اندیشه ابدیت خویش است، اما در عین حال، بهره‌اش از زیبایی‌ها و لذت‌های دنیا را نیز فراموش نمی‌کند.<sup>۳</sup> عابر در مواجهه با دنیا، متعادل است نه چسبنده و نه راهب.<sup>۴</sup>

واژه عبرت نه بار در قرآن به کار رفته است. اگرچه هر چیزی که در قرآن آمده است، مهم است، ولی این تعداد از تکرار بر اهمیت آن افزوده است. به‌طور کلی واژه عبرت در قرآن دو نوع کاربرد دارد. کاربرد اول آن، در مواجهه با دنیا و پدیده‌های دنیوی<sup>۵</sup> است و گستره و مفهوم

۱. راغب اصفهانی، المفردات، ذیل واژه «عبر».

۲. ر. ک: قرشی، قاموس قرآن، ج ۴، ص ۲۸۳، ذیل واژه «عبر».

۳. ر. ک: طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۷۶.

۴. وَاتَّبِعْ فِيمَا أَنْتَ مِنَ اللَّهِ الذَّارِ الْآخِرَةَ وَلَا تَتَّبِعْ نَفْسِكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَخْسِنْ كَمَا أَخْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ؛ و با آنچه خدایت داده سرای آخرت را بجوی و سهم خود را از دنیا فراموش مکن و همچنان که خدا به تو نیکی کرده نیکی کن و در زمین فساد مجوی که خدا فسادگران را دوست نمی‌دارد. (قصص/۷۷)

۵. قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِتْنَةِ الْقَسَا فَنُتْقِنُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْآخِرَى كَافَرَةٌ يَرْوَنَّهُمْ مِثْلِهِمْ زَايَ الْعَيْنِ وَاللَّهُ يُؤَيِّدُ بِنَصْرِهِ مَنْ يَشَاءُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لَأُولِي الْأَبْصَارِ؛ قطعاً در برخورد میان دو گروه برای شما نشانه‌ای [و درس عبرتی] بود گروهی در راه خدا می‌جنگیدند و دیگر [گروه] کافر بودند که آنان [مؤمنان] را به چشم دو برابر خود می‌دیدند و خدا هر که را بخواهد به یاری خود تأیید می‌کند یقیناً در این [ماجرای] صاحبان بینش عبرتی است. (آل عمران/۱۳)

دوم آن، مربوط به تاریخ گذشتگان و امت‌های پیشین و حکایت زندگی پیامبران علیهم‌السلام است. از نگاه قرآن، انسان‌ها در مواجهه با دنیا و پدیده‌ها و زینت‌های دنیوی از سه دسته خارج نیستند. قرآن دسته اول و دوم را سرزنش می‌کند و دسته سوم را می‌ستاید.

**\* دسته اول** دنیاگرایان افراطی؛ گروهی که شدت وابستگی آن‌ها به دنیا، آنان را چنان سنگین و زمین‌گیر کرده است که پذیرش فرمان پروردگار و حرکت در مسیر خوشبختی را برای آن‌ها سخت و طاقت‌فرسا نموده، روزمرگی و بی‌توجهی به کمال و توسعه را نرخ رایج زندگی آن‌ها کرده است. این دسته از افراد، به پستی‌ها و امور کم‌ارزش قانع می‌شوند و از رسیدن به رستگاری و حقایق بلند انسانی پرهیز می‌کنند.<sup>۱</sup>

اینان با دنیا حس خوش پیدا می‌کنند. از دنیا که بگذریم، هیچ حس اصیلی برای آن‌ها نیست. حسشان فقط روزهاست، شب بی‌حس‌اند. کلاً با دنیا سر می‌کنند و به آخرت، معنویت، آسمان، خدا و حقیقت هیچ التفاتی ندارند. متأسفانه همه انسان‌ها به‌جز استثنا این‌گونه‌اند. دنیا و پدیده‌های دنیوی برایشان مهم است و تمام کنش و واکنششان معطوف به آن است. خودبینی، زیاده‌خواهی، دشمنی، انتقام‌جویی، حسدورزی، کام‌جویی، شهرت‌طلبی و شهوت‌رانی روئیه دائمی زندگی آن‌ها است. این دسته، به همین چیز عشق می‌ورزند جز به حقیقت عالم.

اساساً کسانی که در تعامل با دنیا، افراط‌گونه رفتار کنند، چسبندگی روحی زمین، دل آن‌ها را می‌فریبد و جذب خود می‌کند. آری، زمین به میزانی که جسم انسان را به سمت خود می‌کشد، روح انسان را بیشتر به سمت خود جذب می‌کند. نیروی جاذبه زمین، جسم را به‌گونه‌ای جذب می‌کند و روح به شکل‌های دیگر. این رسالت زمین و مأموریتی است که خداوند به آن واگذار کرده است تا انسان‌ها آزموده شوند. اگر کسی

۱. يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّوْا فِي سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّا قَدْ خَلَقْنَاكُمْ إِلَى الْأَرْضِ وَرَافِعَتِهَا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ الْآخِرَةِ فَمَا مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ؛ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما را چه شده است که چون به شما گفته می‌شود: «در راه خدا بسج شوید» کندی به خرج می‌دهید؟ آیا به جای آخرت به زندگی دنیا دل خوش کرده‌اید؟ متاع زندگی دنیا در برابر آخرت، جز اندکی نیست. (توبه/۳۸)

بتواند نیروی جاذبه زمین را از روحش کم کند، جسمش تابع روحش می‌شود و همانند روح، سبک می‌شود و می‌تواند بر نیروی جاذبه زمین غلبه کند.

نقطه مقابل چسبندگی، «رهایی» است. «بخشندگی»، مهم‌ترین آغاز رهایی از دست چسبندگی زمین است. کسی که نگاهش فقط معطوف به هدف است، دلش برای خدا می‌تپد و عشق به خداوند رحمان در او زاده شده، مدل ارتباطی‌اش با تمام موجودات، اعم از انسان‌ها، جانداران، گیاهان و حتی غیر جانداران دگرگون می‌شود. چنین کسی گذشت از مال و عفو و صفح بر خطا و ظلم دیگران برایش بسیار آسان است. فرد بخشنده، همه‌کس و همه‌چیز را در دایره «ارتباط با خدا» می‌بیند و جز به رابطه رضایتمندانه با خالق هستی به چیز دیگری نمی‌اندیشد.

**\*\* دسته دوم** آخرت‌گرایان افراطی؛ این دسته، درست در نقطه مقابل دنیاگرایان افراطی هستند. ویژگی بارز این دسته این است که آن‌چنان به آخرت و جهان دیگر چسبیده‌اند که هیچ ارتباطی بین خود و دنیا برقرار نمی‌کنند.

**\*\* دسته سوم** عبرت‌آموزان؛ الگوی حاکم بر زندگی این دسته، الگوی قرآنی اعتدال است. قرآن می‌گوید آخرت خانه ابدی شماست به فکر آن باشید، اما بهره‌اتان را از دنیا از یاد نبرید. بهره بردن از دنیا با دو چیز محقق می‌شود: شادی و آرامش. براین اساس، عابران درعین حال که نگاهشان فقط و فقط معطوف به یک هدف است و تنها برای رسیدن به آن کوشش می‌کنند، شادی و آرامش وصف‌ناشدنی خاصی را در دنیا تجربه می‌کنند؛ همان شادی و آرامشی که دیگران در چسبندگی و گریز می‌جویند و هرگز به آن دست نمی‌یابند.

قرآن انسان‌ها را نسبت به گذشته و آینده به سه دسته تقسیم می‌کند:

**\* دسته اول**، گذشته‌گرای افراطی هستند. این افراد در گذشته‌ها محو شده‌اند، هیچ نگاهی به آینده ندارند، دچار وسواس فکری هستند و اساساً برای خودشان آینده‌ای نمی‌بینند.

**\*\* دسته دوم، آینده‌گرای افراطی هستند که از آنچه بر آن‌ها و دیگران گذشته هیچ توشه‌ای برنمی‌چینند.**

**\*\* دسته سوم، اهل اعتدال‌اند. با یک چشمشان گذشته‌ها را می‌نگرند و با چشم دیگر، آینده را و از گذشته برای آینده استفاده می‌کنند. ویژگی این دسته این است که دنیا و گذشته را می‌بینند، اما در آن متوقف نمی‌شوند، از آن برای ساخت آینده‌ای پرشکوه بهره می‌برند.<sup>۱</sup>**

قرآن با بیان تاریخ گذشتگان و قصه‌های مربوط به رخدادها و فراز و نشیب حوادث زندگی پیشینیان، ما را به عبرت‌آموزی وامی‌دارد. داستان پر فراز و نشیب زندگی حضرت یوسف علیه السلام یکی از این داستان‌ها است. خداوند در آیات پایانی سوره یوسف علیه السلام، با اشاره به نقش روشنگرانه این قصه، هدف از بیان آن را عبرت‌آموزی خردمندان معرفی می‌کند.<sup>۲</sup>

حاصل آنکه، عبرت، یک نگاه و نوعی از بینش است. اهل عبرت، برای رسیدن به هدف و حقیقت، دائماً در تلاش‌اند و در طول مسیر رسیدن تا هدف، از همه چیز می‌گذرند تا سریع‌تر به عشقشان دست پیدا کنند. این افراد، در مواجهه با موانع، توقف نمی‌کنند و محو در مانع نمی‌شوند؛ چراکه خوب می‌دانند یک دقیقه ایستادن، یعنی باختن و ضایع کردن عمر.

تمام قصه‌های قرآن، پشتوانه‌ها، پشت‌صحنه‌ها، مکمل‌ها و متمم‌هایی دارند؛ یعنی اتفاقاتی مقارن این داستان افتاده است که منجر به این داستان شده است. وقتی به متمم‌ها و پشت‌صحنه‌ها بنگریم، فهم آن داستان برای ما جالب‌تر و جذاب‌تر می‌شود. زمانی که

۱. امام علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا دَارُ مَمَرٍ لَا دَارُ مَقَرٍّ؛ دنیا سرای گذشتن است نه سرای ماندن».

(نهج البلاغه، حکمت شماره ۱۲۸)

۲. لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولَى الْأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَى وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُمْ لَا يَخْفَوْنَ؛ و خداوند در قصه‌های آنان برای خردمندان عبرتی است. سخنی نیست که به‌دروغ ساخته شده باشد، بلکه تصدیق آنچه [از کتاب‌هایی] است که پیش از آن بوده و روشن‌گر هر چیز است و برای مردمی که ایمان می‌آورند رهنمود و رحمتی است. (یوسف/۱۱۱)

پشت‌صحنه‌ها و علل و ابعاد دیگر داستان آشکار شود، طبعاً فهم و دریافت ما از آن داستان، جامع‌نگرانه و عمیق‌تر می‌شود و به ابعاد مختلف داستان پی خواهیم برد.

مجموعه‌ای که پیش روی شما خواننده محترم قرار دارد، رسالتش بیان رازها و پشت‌صحنه‌های زندگی یوسف پیامبر علیه السلام است. در ابتدا، هر آیه به همراه مضمون آن ذکر می‌شود و ذیل هر آیه عبرت‌ها، مثال‌ها و تمرین‌هایی که راهنمای شما برای عینیت‌بخشی به یک زندگی زیبا و نیل به آرامش و پیروزی حقیقی است، بیان می‌گردد. شایان‌ذکر است اثر حاضر، برگرفته از درس گفتارهایی است که در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ در تهران ارائه شده است. بر خود لازم می‌دانم از همکاران محترم کلاس که در این زمینه تلاش نموده‌اند، سپاسگزاری کنم.